

# چند پاسخ...

در رابطه با فراخوان دموکراتیک که سازمان ما در رهائی شماره ۵۷ و همچنین در سطح وسیع انتشار داد، برخی استیلاهای طرح شده بود که در مقاله‌ی "بازهم در سبزه آزادیهای دموکراتیک" در رهائی شماره ۶۴ به جوانب کلی آنها پرداختیم. حال به برخی جوانب دیگر نیز پاسخ میدهیم.

**رفیق م - برخی ایرادات تو به شرح زیر هستند:**

۱- پاراکراف اول فراخوان فقط یک جناح از حاکمیت را نقد میکند و آنهم فقط یسکا نبود از آن یعنی روحانیت را؛ حاکمان جدید... سکانداران مکتبی، مفتخواران سهم امام و این سرخورد یک خاربه به حاکمیت را در چند جای دیگر نیز میتوان مشاهده کرد.

مادر پاراکراف اول فراخوان گفته‌ایم: "بیست و دو ماه از استقرار حاکمان جدید بر مسندهای قدرت گذشته است... تحویل مثنی سیه به سکانداران مکتبی... مطالبه‌ی بهرست وار کارنامه‌ی هیئت حاکمه‌ی جدید..."

(پاراکراف دوم) کارنامه‌ی سبزه هجوم و تجاوز هیئت حاکمه‌ی جدید... بنابراین بنظر ما از "هیئت حاکمه" فقط یک جناح آن استنباط نمیشود. مفهوم هیئت حاکمه مشخص است. همینطور مفهوم "حاکمان جدید". اینها هر دو به کلیت حاکمیت اشاره دارند و نه بخشی از آن. "سکانداران مکتبی" هم باز شامل هر دو جناح است. آیا همینجا در جایی دیده‌اید که جناح سوزن‌زانی هیئت حاکمه ادعای مکتبی بودن را بکنار نگذارد. بحث این جناح همواره این بوده است که سبزه خودشان مکتبی هستند و اینکه جناح دستگیر مکتب را نفهمیده است. و اما برای عبارت دیگر باید به من توجه کرد. در پاراکراف اول آمده است:

"مطالبه‌ی بهرست وار کارنامه‌ی هیئت حاکمه... که هدفی جز بازسازی هوس چه سریعتر نظام مکتبی سرمایه داری ضربه خورده‌ی ایران... نداشت"

میتوانید شما بحث کردات حل را با کسی را که این کشی در هم شکسته سبزه جانب از هدایت میشود برای ساده دلانی که از سخنوران سیم امام چشم انتظار معجزه اند آسانتر کند....

این عبارت را عمدتاً به این خاطر نقل کرده‌ام که نشان دهیم که عبارات نباید خارج از متن در نظر گرفته شوند، بلکه باید در رابطه با کل متن و بخشهای دیگر آن منظور نظر واقع شوند. در عبارت فوق وکل متن نیز ما همواره به هیئت حاکمه پرداخته‌ایم و در عبارت فوق نیز سبزه از این امر به "ساده دلانی"

که انتظار معجزه دارند (نمونه های این ساده دلان هنوز فراوانند: تمام نوده هائی که هنوز در توهم رهبری خمینی بسر میبرند) اشاره کرده‌ایم. در جای دیگر هم "کفساران سوزنوا لیسرال"، "توتالگالک ریزه خواری، چو ریشی جهور منتخب و سرما بسنده‌ی کل نوا که همین چند راه پیش بقصد بیرون کشیدن لقمه از پوزه‌ی آخوند بهشتی سوار بر موجی از لومین تا به دانشگاه ساخت، "معدالک شکست که مردم همکساری هر دو جناح معصم و مکلای قدرت را در سرکسویی خنوق و آزادیهای دموکراتیک... از خاطر نبرده‌اند"، پرداخته‌ایم. بنابراین روشن است که این نوع ایرادگیری به این معنی است که بگوئیم: چرا در هر جمله که به این جناح حمله کرده‌اید به آن یکی نکرده‌اید؟

۲- "میرمنش و رفیق... مبارزه علیه حکومت توتالیتر الماسائل شریسیا و روصه خوانتها و شرکا، آشناست. که باز اکثر منظور از شرکا کتیرا لیا" باشد این مفهوم کاملاً القا نمیشود و میتوان ایراد به کوشه‌ی دیگر تفسیر کرد.

۳- تعدادی از ایرادات شما فنی و باز ای است. مثلاً به کلمه‌ی "خلق" در حالتی که دقیقاً بیشتر نشان میدهد که این کلمه متبلسل کلمه‌ی مردم استفاده شده است و نه به معنی سوزن...

نتیجه گیری خاص سیاسی مثل خلفیونست که به انقلاب بدموکراتیک و غیره معتقدند. بنابراین، این امر به معنای خلق گرائسی و پرولیسیم نیست.

۴ - "در پاراگراف ۳ صفحه ۵ آمده است: "همی نیروهای انقلابی اصیل و مردم آزادهی ایران را به مبارزه ای ... میخوانیم تا به کمک آنها به آرمانهای بنیادینی تحقق داده شود که ... باید کفایت که اولاً "مردم آزادهی ایران" دارای یک نجاشی طبیعی همگون نمی باشد و تحقق آرمانهای بنیادین تنها خواست بخشی از این "مردم آزادهی ایران" (کارگران و زحمتکشان) میباشد. بنابراین اگر فراخوان به خاطر تحقق اهداف مشخص یعنی رفع عمومی عملکرد غیردموکراتیک هیئت عالی کمیونی است پس فراخواندن مردم به تحقق آرمانهای بنیادین به چه معنی است.

۵ - شعار انقلاب ارتش و شعار ایستاد شوراها و سربازان درجه داران و غیره در تناقض نیستند. به عبارتی سر اینست که ارتش بعنوان یک نهاد سرکوزر تعلقات حاکم باید منحل شود. برای این امر قسماً اول سازماندهی شورایی سربازان درجه دار و افسران جزء در ارتش است که کنترل امور خود را بدست گیرند و واضحست که این امر در تضاد آشکار با یک ارتش سرکوزر بسا انضباط و نظم فاشیستی از بالا به پایین است. بنابراین طرح شعار شوراها و سربازان و غیره بمنظور جذب و جلب توجهی سربازان و سازماندهی آنها حول این شعار است بسراى اینکه در عمل ارتش بوزروائی را منحل کنند.

۶ - از طرح سایر نکات تاریخی نیز منسکریم. رفیق ا - ی در مورد آسامی نویسندگان ، حقوقدانان ، روزنامه نگاران و دانشگاهیان در اعلامیه مندرج در رهائی شماره ۶۵ باید توضیح دهیم که محتوای کلی اعلامیه و بویژه مونوگمیری آن علیه هر دو جناح حاکمیت مورد تأکید ماست ولی بدیهی است که این امر معادل تأکید مواضع گذشته و حال تک تک امضاء کنندگان آن نمی تواند باشد و هر شعوری جز این خطاست . همچنین در مورد انتشار جزوه "سبب شروع طلسمی در ایران که قبلاً بخشهایی از آن در رهائی منتشر شده است باید گفت که از آنجا که سلسله مقالات "فداگیمان اسلام" نیز در عقیبت ادامه همان مبحث است ، مجموعه ای این دو مقاله جداگانه منتشر خواهد شد .

ناشی از دو عامل است : اول، خو گرفتن به معماری شهر طهران پرور قم و معماری بساز و بفروش معاصر ایران که فیلسوفان مکتبی ما حتی با دیدن معماری کشورهای دیگر نمیتوانند ذهنشان را از بار فرهنگی آن خلاص کنند. دوم، خصلت تخریب و خرابکاری رایج در فرهنگ ایران، که بعنوان نخستین اقدام برای کوبیدن میخ قدرت باید آثار منسوب به حاکمان گذشته را نابود کرد. رضاخان سردار سپه هنوز از تا جگذاری فارغ نشده بود که دستور داد کلنگ درساختمانهای عهد قاجاریه بگذارند. شیخ خلخال، در اولین فرصت، ساختمانی را که برای مقبره رضاخان ساخته شده بود به تیغ بیدریغ بولدوزر سپرد. در تابستان گذشته پس از صدور فرمان "طاغوت زدایی" به تنها آثار منقوش و گاشیکاری های چند دهی گذشته که آثار قدیمی اسلامی هم تخریب و تاراج شد. در این میان نقاشی های دیواری منحصر بفرد چهل ستون آن اندازه اقبال داشت که بسا دیوارهای چوبی استار شود. مشکل اساتید این است که فرهنگ صحرانشینی و اسلامی جبر دادن و خرد کردن در ذهنشان رسوب کرده و کمر نه در چالای که ملتها برای هنر ساخته بناهایی که پیر از چند صد سال هنوز پا برجاست و قابل استفاده اند خود را مدیون تزارها و دیگر سلاطین نمیدانند، فیلسوفان ما تلویحاً ایراد نمیگرفتند که چرا دولت مدعی حمایت از کارگر، محصول کار کارگران نسلیهای پیش را به دست حکام شرع نمیسپارد تا همه را با خاک یکسان کنند.

"شاه" بیت بهانه گیریهای استاد فارسی در آن جاست که به "تجمل پرستی" جامعهای شوروی و شخص نشین ممتازد و میگوید:

"از همشیره ی لنین بیانویی مانده که اگر آنرا بفروشند با پول آن میتوان یک اتومبیل، یک خانه و چیزهای دیگر خرید."

بنابر رهنمود فیلسوفانه ی ایشان، دولت شوروی بهتر است هر چه زودتر بیانوی یادگار خانوادگی لنین را (لایند در خارج) حراج کند و با پول آن خانه و اتومبیل و "چیزهای دیگر" (مثلاً تلویزیون رنگی و برده گرکره) بخرد. فرمات پشات بقالانهای استاد فارسی بیشتر از هر چیز مظهر عقب ماندگی مژمن جماعتی است که دست بر قضا به حکومت میرسد تا پیش از دوپست دانشکده و مدرسه ی عالی را به بهانه های رها شدن علوم بشری از مادیت و سود پرستی، و جانشین کردن معنویت و تعالی بسوی الله تخته کند.

سفرنامه های رسولان رژیم اسلامی بسا کشورهای خارجی - بویژه هیاتی که دکسورش رفت - باقی خواهد ماند، تا زمانیکه غافلگی مکتب بازی به تاریخ پیوسته باشد، بسراى نمونه، به نسلیهای آینده نشان بدهد که در فقدان نیروهای مترقی سازمان یافته، موجوداتی با چه بضاعت ذهنی غم انگیزی به حکومت میرسند.

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

نتیجه تئوری خاص سیاسی مثل خلفیونستایی  
که به انقلاب دموکراتیک و غیره معتقدند.  
بنابراین، این امر به معنای خلق گرائسی  
و پوپولیسم نیست.

۴ - "در پاراگراف ۳ صفحه ۵ آمده است: "همی  
شروعی انقلابی اصیل و مردم آزاده ایران  
را به مبارزهای ..... میخوانیم تا به کمک  
آنها به آرمانهای بنیادینی تحقق داده شود  
که ..... باید کفایت  
که این "مردم آزاده ایران" دارای بیگ  
نحایس طبقاتی همگون نمی باشد و تحقیق  
آرمانهای بنیادین تنها خواست بعضی از این  
"مردم آزاده ایران" (کارگران و زحمتکشان)  
منباشد. بنابراین اگر فراخوان به خاطر  
تحقیق اهداف مشخص بعضی رفیع عمومی عملکرد  
غیر دموکراتیک میثبات مانده ای کمونی است  
پس فراخوانیدن مردم به بسیجی آرمانهای  
بنیادین به چه معنی است.

اجراد شما صحیح است از این لحاظ که  
"آرمانهای" ذکر شده در جامعه ای سرمایه  
داری آرمانهای بنیادین نیستند و این حسی  
از خود متین هم روش است و ما انتقاد  
را میسوریم. نهایت صحیح "آرمانهای  
دموکراتیک" است. و خطاب بعدی به "مردم  
آزاده" هم از همین نقطه نظر نوشته شده  
است. زیرا تحقق آرمانهای دموکراتیک  
علاوه بر کارگران و زحمتکشان به نظر اقلیت  
دیگری از مردم نیز است.

۵ - شعار انقلاب ارتش و شعار ایستاد  
شورای سربازان درجه داران و غیره  
در تناقض نیستند. بحث در سر اینست که  
ارتش بعنوان یک نهاد سرکوبگر طبقات حاکم  
باید منحل شود. برای این امر قدم  
اول سازماندهی شورایی سربازان درجه دار  
و افسران جزء در ارتش است که کنترل امور  
خود را بدست گیرند و واضحست که این امر  
در نگاه آشکار با یک ارتش سرکوبگر بسا  
انضباط و نظم فاشیستی از بالا به پایین  
است. بنابراین طرح شعار شوراهای سربازی  
و غیره منظور مثبت و جلب توجهی سربازان  
و سازماندهی آنها در این شعار است برای  
اینکه در عمل ارتش یوزوآشی را منحل کنند.

۶ - از طرح سایر نکات فاشیست سرکوبگریم.

### رفیق ا - ی

در مورد اسامی نویسندگان، حقوقدانان،  
روزنامه نگاران و دانشگاهیان در اعلامیه  
مدرج در رهائی شماره ۵۵ باید توضیح دهیم  
که محتوای کلی اعلامیه و بویژه موضعگیری آن  
علیه هر دو جناح حاکمیت مورد تأکید ما است. ولی  
بدینجهت است که این امر سادگی تاخیر مواضع  
گفته و حال تک تک امضاء کنندگان آن نمی  
تواند باشد و هر تصویری جز این خطاست.

همچنین در مورد انتشار جزوه "سور  
شروعی فلسفی در ایران که قبلاً بخشهایی از آن  
در رهائی منتشر شده است باید گفت که از آنجا  
که سلسله مقالات "فدائیان اسلام" نیز در  
تعدادی داده همان مبحث است، مجموعه ای این  
دو مقاله جداگانه منتشر خواهد شد.